

رشته‌های علوم انسانی با تأکید بر علوم تربیتی در نظام آموزش عالی

دکتر سید شمس‌الدین هاشمی مقدم^۱

چکیده

بررسی وضعیت فعلی شیوه‌های سازماندهی مواد و محتوای درسی رشته‌های علوم انسانی در نظام آموزشی ما نشان دهنده این واقعیت است که به رغم نقش و اهمیت و کاربرد رشته‌های مختلف علمی در قلمرو وسیع علوم انسانی، نحوه سازماندهی و شیوه‌های عرضه مواد و محتوای درسی در رشته‌های مزبور موقعیت و جایگاه علمی مناسبی ندارد و روش‌های رایج در سازماندهی این مواد درسی، کارآیی رشته‌های علوم انسانی را در مقایسه با سایر رشته‌های علمی با تردید و انتقاد مواجه ساخته است؛ این مسئله به طور مستقیم به سازمان برنامه درسی و شیوه‌های سازماندهی مواد درسی و روش‌های عرضه مطالب درسی مربوط است. سازمان برنامه درسی مجموعه‌ای از عناصر و اجزا و فعالیت‌های یاددهی و یادگیری است که این عناصر با یکدیگر ارتباط مؤثر و متقابل داشته و در نظام برنامه درسی توالی و استمرار یافته‌اند؛ استفاده از روش‌های جامع،

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه اراک

یکپارچه و مؤثر در سازماندهی این عناصر، کارآیی محتوای برنامه درسی اجرا شده در نظام آموزشی و در نتیجه تحقق هدف‌های برنامه درسی را تضمین می‌کند.

در نظام آموزشی ما، مواد و محتوای برنامه درسی در دوره‌های مختلف تحصیلی به ویژه در نظام آموزشی عالی، معمولاً به شیوه سنتی و رایج مانند شیوه موضوعات مجزا یا رشته‌های علمی و در چارچوب کتاب‌های درسی مختلف سازماندهی می‌شود. این روش سازماندهی غالباً بر عرضه مفاهیم و موضوعات علمی در هر رشته یا ماده درسی تأکید دارد و مواد و محتوای برنامه درسی از مجموعه رشته‌های علمی مجزا و مستقل از یکدیگر تشکیل می‌شود و معمولاً ارتباط، پیوستگی و هم‌پوشی میان محتوای این رشته‌ها بسیار ضعیف است. نتیجه کاربرد این شیوه سازماندهی به ویژه در رشته‌های مختلف علوم انسانی، عرضه حجم گسترده‌ای از دانش، معلومات و مهارت‌های علمی به یادگیرندگان است؛ دلایل و شواهد بسیاری نشان می‌دهد که این شیوه سازماندهی علاوه بر کاهش میزان یادگیری و انگیزه فراگیران به مطالعه محتوای برنامه درسی، در مجموع موجب کاهش میزان کارآیی برنامه‌های درسی رشته‌های علوم انسانی به ویژه در نظام آموزشی عالی کشور شده است. بر این اساس، در سال‌های اخیر گرایش برنامه‌ریزان درسی، کارشناسان و طراحان کتاب‌های درسی به استفاده از رویکردها یا الگوهای جامع، یکپارچه و درهم تنیده با عنوان کلی رویکردهای میان رشته‌ای یا چند رشته‌ای افزایش یافته است و از این رو استفاده از رویکردهای تلفیقی یا درهم تنیده به جای رویکردهای رایج و سنتی، توجه پژوهشگران و علاقه‌مندان به توسعه و بهبود نظام برنامه‌ریزی درسی کشور را به خود معطوف داشته است.

رشته‌های علوم انسانی با تأکید بر علوم تربیتی ۳۰۵

مقاله حاضر که بر اساس نتایج حاصل از اجرای یک پژوهش علمی^۱ در سطح دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دولتی استان مرکزی تهیه و تنظیم شده است، ضمن ارزیابی وضعیت فعلی روش سازماندهی مواد و محتوای دروس در رشته‌های علوم انسانی با تأکید بر رشته‌های علوم تربیتی در نظام آموزش عالی، میزان کارایی الگوی برنامه درسی موضوعات مجزا را ارزیابی کرده و کاربرد این الگو را با الگوی برنامه درسی تلفیقی مقایسه نموده است؛ بر اساس نتایج به دست آمده سازمان فعلی مواد و محتوای دروس در رشته‌های علوم انسانی (علوم تربیتی) بر اساس شیوه موضوعات مجزا یا رشته‌های علمی قرار دارد. ضمناً مزایا و محدودیت‌های کاربرد الگوی موضوعات مجزا در گرایش برنامه‌ریزان درسی به استفاده از این الگو مؤثر بوده است. از نظر اعضای هیئت علمی و دانشجویان، مزایای الگوی تلفیقی میزان کارایی این الگو را در مقایسه با سایر الگوهای رایج و سنتی افزایش داده است و از این رو به استفاده از الگوی برنامه درسی تلفیقی به جای الگوی موضوعات مجزا تأکید شده است.

نتایج حاصل از این پژوهش علمی می‌تواند مورد استفاده برنامه‌ریزان درسی، کارشناسان و طراحان کتاب‌های درسی دانشگاهی در نظام آموزش عالی و نیز برنامه‌ریزان درسی در وزارت آموزش و پرورش قرار گیرد و زمینه را برای توسعه تجربیات تازه در نحوه سازماندهی مواد درسی و تهیه و تدوین کتاب‌های درسی در نظام آموزشی کشور فراهم سازد.

واژگان کلیدی: برنامه درسی، کتاب درسی، علوم انسانی - علوم تربیتی - نظام آموزش عالی

۱. این پژوهش با تصویب شورای پژوهشی دانشگاه اراک، در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دولتی استان مرکزی در سال ۱۳۸۴ اجرا شده است.